

«دل می رود ز دستم»

نقد و بررسی غزل

سروده حافظ، در کتاب ادبیات فارسی (۲)

اشرف روشندل پور

دانشجوی دکترا و دبیر ادبیات دبیرستان های دزفول

چکیده

کتاب‌های درسی در نظام آموزشی و برنامه‌ریزی‌های درسی اهمیت زیادی دارند، به نحوی که بسیاری از فعالیت‌های یادگیری در راستای کتاب‌های درسی و محتوای آن‌ها تعیین می‌گردد و آن‌ها مهم‌ترین ابزار رسمی تحقق اهداف تربیتی و آموزشی هستند. در این مقاله سعی شده است غزل «دل می‌رود ز دستم» سروده حافظ در کتاب ادبیات فارسی پایه دوم دبیرستان در سه بخش ساختار، تحلیل و نقد بررسی شود و کاستی‌ها و نکات مثبت آن بیان گردد.

در بخش ساختار ابیات درس با منبع اصلی مقایسه شده و قسمت‌های حذف شده مشخص گردیده است. در بخش تحلیل چگونگی شروع درس و نیز مطالب و اهمیت آن به اجمال بررسی شده است. در بخش نقد نیز جایگاه درس، نکات مثبت و منفی آن، تناسب درس با اهداف فصل و زمان تدریس بررسی شده است.

همچنین در این مقاله، سهم حافظ در کتاب‌های ادبیات دوره متوسطه به اجمال بررسی شده است. این بررسی روشن می‌سازد که انتخاب این غزل برای کتاب ادبیات پایه دوم دبیرستان و در قسمت ادبیات غنایی بسیار بجا و شایسته است اما برای رفع برخی ابهامات درس باید به مطالبی در قسمت توضیحات درس پرداخته شود. نیز زمان بیشتری برای تدریس این غزل در نظر گرفته شود. همچنین با توجه به نقش و جایگاه حافظ در زبان و ادب فارسی بهتر است در کتاب‌های درسی سهم بیشتری به او و آثارش اختصاص یابد.

کلیدواژه‌ها: غزل، حافظ، غنایی، کتاب ادبیات فارسی (۲).

مقدمه

کتاب‌های درسی با محتوای آموزشی خود، مهم‌ترین عامل انتقال فرهنگ و دانش به نسل‌های آینده هستند و در تحقق اهداف

آموزشی نقش مهمی دارند. هر اندازه اهداف آموزش و پرورش مشخص، دقیق، عالی و جامع باشند، بدون داشتن محتوایی خوب و مناسب، این اهداف تحقق نخواهد یافت.

کتاب‌های ادبیات دوره متوسطه براساس انواع ادبی تنظیم شده‌اند که عبارت‌اند از: ادبیات حماسی، ادبیات غنایی، ادبیات تعلیمی و ادبیات نمایشی. نیز در هر کتاب ادبیات، فصل‌های مختلفی گنجانده شده است. برخی از فصل‌ها در هر چهار کتاب ادبیات (۱)، (۲)، (۳) عمومی و (۳) تخصصی مشترک‌اند؛ مانند فصل انواع ادبی (۱) و (۲) که به‌طور کلی بیشترین حجم مطالب هر کتاب مربوط به ادبیات غنایی است که آن هم به دلیل حوزه گسترده این نوع ادبی است.

در این مقاله غزل «دل می‌رود ز دستم» که سروده حافظ است و در فصل انواع ادبی (۲) کتاب ادبیات فارسی (۲) آمده، در سه بخش ساختار، تحلیل و نقد مورد بررسی قرار گرفته است.

ارائه محتوای اصلی

کتاب ادبیات فارسی (۲) از یک مقدمه، نه فصل و در مجموع ۲۴ درس و ۱۹۷ صفحه تشکیل شده است. عنوان فصل‌های این کتاب با کتاب ادبیات (۱) مشترک است و یکی از این فصل‌ها فصل انواع ادبی (۲) است که در آن به دو نوع ادبیات غنایی و تعلیمی پرداخته شده است. در قسمت مربوط به ادبیات غنایی دو غزل «در آرزوی تو باشم» از سعدی و «دل می‌رود ز دستم» از حافظ گنجانده شده‌اند. انتخاب دو نمونه از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان زبان و ادب فارسی برای این فصل کاملاً بجا و شایسته است.

به‌طور کلی، ۶۶ درصد ادبیات کهن در پایه دوم به آثار منظوم مربوط می‌شود و بیشترین اشعار، متعلق به سبک عراقی است. با توجه به اهمیت این سبک و بزرگانی که آثار خود را به این سبک سروده‌اند، این درصد بجا و مناسب است. نیز باید گفت بیشترین



نوع ادبی در این کتاب ادبیات
غنائی است که ۵۵ درصد ادبیات
کهن کتاب را تشکیل می‌دهد.

قسمت دوم درس دوازدهم: «دل

می‌رود ز دستم»

۱.۱ ساختار درس

این غزل دومین قسمت درس دوازدهم کتاب ادبیات پایه دوم (۱۳۹۲) می‌باشد که در فصل انواع ادبی (۱) آمده و به سبک عراقی است.

در دیوان حافظ براساس نسخه علامه قزوینی و قاسم غنی، این غزل ۱۳ بیت دارد اما در کتاب درسی ۱۰ بیت آن ذکر گردیده و بیت‌های ۴، ۷ و ۸ آن حذف شده‌اند. این غزل در دیوان و در کتاب درسی با این بیت شروع می‌شود:

دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

(حافظ، ۱۳۷۸: ۴)

آخرین بیت این غزل در دیوان و در کتاب درسی این گونه است:

حافظ به خود نپوشید این خرقة می‌آلود
ای شیخ پاک‌دامن معذور دار ما را

(همان، ۵)

وزن آن «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» و در بحر «مضارع مثنیٰ اخرب» می‌باشد که وزنی متناوب است.

خودآزمایی‌های درس کاملاً با محتوا و پیام آن تناسب دارند و شماره‌های ۳ و ۴ آن به‌صورت سؤالات تحقیقی هستند و برخی از نکاتی را که در درس فرصتی برای پرداختن به آن‌ها نبوده است، مطرح می‌کنند. در قسمت توضیحات برخی از ابیات دشوار معنی شده و نکاتی ذکر گردیده است.

در قسمت اعلام هیچ توضیحی در مورد حافظ نیامده اما در قسمت منابع و مآخذ، کتاب‌های خوبی جهت مراجعه و کسب اطلاعات بیشتر، معرفی گردیده است.

۲. تحلیل درس

۱. غزل «دل می‌رود ز دستم» در حوزه ادبیات غنائی است و به همین دلیل در فصل پنجم کتاب با عنوان انواع ادبی (۲) که شامل ادبیات غنائی و ادبیات تعلیمی می‌شود، منظور گردیده است.

۲. این فصل بدون هیچ درآمدی آغاز شده، اما قبل از شروع شعر، توضیحاتی اجمالی در مورد اندیشه‌های عمیق حکمی و عرفانی حافظ از جمله عشق و رندی، امیدواری و نشاط حیات، طنز و انتقاد، خوش‌باشی و اعتنا فرصت و... آمده است که آمادگی ذهنی خوبی برای آشنایی با این شاعر بزرگ و ویژگی‌های شعرش ایجاد می‌کند. شاعر در خلال ابیات این غزل شیوه درست نگاه کردن به زندگی را به ما می‌آموزد.

۳. عنوان «دل می‌رود ز دستم» برگرفته از یکی از مصراع‌های شعر و انتخاب آن متناسب با فضای شعر و ادبیات غنائی است.

۴. به‌طور کلی یکی از ویژگی‌های شعر حافظ که در این غزل نیز مشهود است، طرح مضامین و نکات دقیقی است که شاعر آن‌ها را در ابیات جداگانه و حتی گاهی در یک مصراع و در موجزترین کلام و رساترین شیوه بیان کرده است. مثلاً بیت زیر در مورد بی‌اعتباری دنیا و اعتنا فرصت است:

ده روز مهر گردون افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

یا مفهوم این بیت درباره درویش‌نوازی آمده است:

ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت

روزی تفقدی کن درویش بینوا را

بیت بعد در مورد «حسن خلق» است و نیز با دشمنان مدارا کردن اما نه از روی ضعف:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

بیشترین نوع ادبی

در این کتاب ادبیات

غنائی است که ۵۵

درصد ادبیات کهن

کتاب را تشکیل

می‌دهد

نقد درس

۱. با توجه به جایگاه رفیع حافظ، در طرح اندیشه‌های غنائی و اینکه یکی از شاعران نامور غزل‌سرای ایران است، آشنایی با او و اندیشه‌هایش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه کاملاً ضروری به‌نظر می‌رسد و طرح یک غزل از او در کتاب ادبیات پایه دوم و در فصل انواع ادبی کاملاً بجاست.

۲. از امتیازات این درس مقدمه خوب آن است که باعث آمادگی ذهنی دانش‌آموزان و آشنایی آنان با حافظ و مضامین به‌کار رفته در شعرش می‌شود.

۳. از نقاط قوت این غزل آن است که دربردارنده اصلی‌ترین مفاهیم شعر حافظ، از جمله عشق‌ورزی است و تمام مضامین طرح شده در آن بسیار ارزشمندند.

۴. یکی دیگر از محسنات این غزل وزن دوری آن است. وزن و موسیقی و خوش‌خوانی شعر حافظ بسیار مشهور است و این غزل هم از آن برخوردار است. قطعاً جذابیت وزن متناوب آن بیشتر از یک وزن تکراری است.

۵. دو غزل «در آرزوی تو باشم» از سعدی و «دل می‌رود ز دستم» از حافظ در یک فصل آمده‌اند و طرح آن‌ها در کنار هم متناسب با اهداف فصل است. این دو غزل هم از نظر قالب و هم از نظر نوع ادبی کاملاً با هم تناسب دارند.

۶. حذف ابیات شماره ۴ و ۷ و ۸ از نسخه اصلی کاملاً درست و مناسب بوده است؛ چون این ابیات در توصیف شراب و حلقه گل و مل و نیز نگاه انتقادی، اندیشه‌های ملامتی و جبرگرایی حافظ



است. طرح برخی از این مفاهیم مناسب کلاس درس نیست یا ممکن است اتفاق نظری در مورد معنای یک بیت یا مصرع وجود نداشته باشد. نیز شاید ملتمع بودن یکی از ابیات سبب عدم انتخاب آن شده است.

۷. باید توجه داشت که این غزل قسمتی از درس دوازدهم است و باید پس از قسمت اول یعنی، غزل سعدی توضیح داده شود. با توجه به تجربه عملی نگارنده در امر تدریس، مدت زمانی که برای روخوانی، معنی کردن واژگان، توضیح اصطلاحات و تعبیرات و بیان صور خیال و زیبایی‌های شعر و معنی کردن ابیات و توضیح «بیاموزیم» آن در نظر گرفته شده کافی نیست؛ چه رسد به اینکه دبیر بخواهد برای فهم بهتر شعر به شرح حال حافظ و توضیح مختصر دورانی که او در آن زندگی می‌کرده است بپردازد.

در این غزل، واژه‌ها و ترکیباتی مانند باد شرطه، آیینة سکندر، زندان پارسا، کشتی شکستگان و... نیاز به توضیح مفصل دارند. ۸. در بیت دوم این غزل، عبارت «کشتی شکستگانیم» آمده که برخی نسخه‌ها به صورت «کشتی نشستگانیم» ذکر شده است. به نظر می‌رسد اگر در توضیحات این نکته بیان می‌شد که این بیت در برخی نسخه‌ها به دو صورت نوشته شده است، اعتماد فراگیرندگان به صحت مطالب مندرج در کتاب بیشتر می‌شد و متوجه می‌شدند که در بعضی از نسخه‌ها ابیات به صورت دیگری نوشته شده است.

۹. ترکیب «باد شرطه» در توضیحات درس به معنای «باد موافق» آمده و طبق تحقیقاتی که علامه قزوینی به عمل آورده، نیز به همین معنی دانسته شده است اما نکته اینجاست که در این بیت قطعاً منظور از کشتی شکسته و باد شرطه معنای ظاهری آن‌ها نیست. «باد شرطه» به معنی امدادهای غیبی است که نجات‌بخش انسان‌های درمانده و امیدوار به فضل خداوند است. به نظر می‌رسد که اگر معنی این بیت در توضیحات نوشته می‌شد، بهتر بود.

۱۰. با توجه به بیت شماره ۶ درس به قرار زیر:

هنگام تنگ‌دستی در عیش کوش و مستی

کاین کیمیای هستی قارون کند گدارا

باید به چند نکته اشاره کرد:

الف. در این بیت منظور از کیمیای هستی مشخص نشده است و دانش‌آموزان با تعبیر مختلفی از سوی دبیران خود مواجه می‌شوند. اگر بخواهیم آن را در معنی عیش و مستی در نظر بگیریم چگونه معنی می‌شود؟ آیا انسان می‌تواند در هنگام فقر و نیازمندی به عیش بپردازد و شادمان باشد؟

به اعتقاد بهاءالدین خرمشاهی در کتاب «حافظ‌نامه» کیمیای هستی همان «هی» است که حیرت‌انگیز و دگرگون‌کننده هستی است و گدایان را مانند قارون بی‌نیاز می‌سازد و چون عیش و نوش با تنگ‌دستی مغایرت دارد، این بیت از تناقض‌گویی‌ها و شطاطی‌های حافظ است. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۱۳۳)

حال اگر کیمیای هستی را شراب ظاهری بدانیم، چگونه این شعر می‌تواند برگرفته از اندیشه‌های عرفانی و والای حافظ باشد؟ شاید هم منظور شرابی است که انسان را از عشق الهی سرمست می‌کند؟

جالب اینجاست که تفاوت معنای این بیت فقط در فحوای کلام دبیران دیده نمی‌شود. در برخی از شرح‌هایی نیز که بر دیوان حافظ نوشته شده، این بیت بسیار متفاوت معنا شده است. مثلاً به اعتقاد محمد استعلامی در باب این بیت، انسان تهی دست اگر استغنائی طبع داشته باشد و به آنچه ندارد راضی و خشنود باشد، آسوده‌تر از قارون زندگی خواهد کرد. (استعلامی، ۱۳۸۶: ۱/۸۱)

اما به نظر می‌رسد اگر کیمیای هستی را عشق الهی تعبیر کنیم بهتر است و در واقع این گونه معنی می‌شود: در هنگام تنگ‌دستی و فقر، سعی کن با عشقی که به خداوند داری، راضی و خشنود زندگی کنی؛ چراکه این عشق، انسان نیازمند را به انسانی بی‌نیاز و برخوردار تبدیل می‌کند. عارف واقعی با عشق الهی، از دنیا و آنچه در آن است، بی‌نیاز می‌شود و با امید به لطف خداوند می‌تواند شاد باشد.

به هر حال، اگر در توضیحات درس معنی این ترکیب مشخص می‌شد، بهتر بود.

۱۱. باید گفت که بیت شماره ۷ درس:

سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد

دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

در توضیحات درس خیلی خوب معنی شده است اما برای فهم بهتر معنای این بیت به دو نکته باید اشاره شود (در توضیحات درس یا توسط معلم):

۱. عبارت «از غیرت بسوزد» یعنی خداوند از غیرتی که نسبت به بنده خود دارد، تورا در آتش می‌سوزاند. در اینجا فعل «بسوزد» گذرا به مفعول است و ضمیر «ت» در غیرت نقش مفعولی دارد نه مضاف‌البهی.

۲. نکته بعدی اینکه چرا شاعر گفته است همچون شمع؛ به دلیل اینکه در گذشته وقتی شعله شمع یا چراغ خوب نمی‌سوخته و سوسو می‌زده است، سرفتیله را قیچی می‌کرده‌اند تا خوب بسوزد. شاعر از آن حالت شعله شمع به سرکشی تعبیر کرده است. اگر در توضیحات به این نکته اشاره می‌شد، درک زیبایی تشبیه و تصویرسازی شاعر بهتر صورت می‌گرفت.

۱۲. بیت شماره ۸ درس قابل توجه است:

آیینة سکندر جام می است بنگر

تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

در مورد آیینة اسکندر مطالب خوبی در توضیحات آمده است، اما باید معنی بیت کامل نوشته می‌شد. شاید منظور شاعر این بوده است که وقتی انسان عارف به مراتب کمال می‌رسد و از اسرار زیادی باخبر می‌شود، با توجه به دل او می‌توان از حقایق عالم باخبر شد. ضمناً این بیت به بی‌اعتباری دنیا هم اشاره می‌کند.

۱۳. بهتر است در قسمت توضیحات، معنای کلمه پارسا - که در بیت نهم درس آمده - مشخص شود. برخی پارسا را «پارسی» و برخی «پرهیزگار» معنی کرده‌اند. بهاءالدین خرمشاهی در کتاب «حافظ‌نامه» آن را پارسی یعنی اهل فارس عنوان کرده است. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۱۳۵)

۱۴. نکته دیگری که در مورد بیت نهم باید گفت این است که

اصلاً در بخش توضیحات یا مقدمه درس مطلبی در مورد واژه «زند» - که یکی از مفاهیم اساسی و کلیدی شعر حافظ است - طرح نگردیده است.

«زند» جزو واژه‌هایی است که گشتار معنایی داشته و معنای این واژه در کتب ادب پارسی مثلاً در تاریخ بیهقی کاملاً متفاوت با معنای آن در دیوان حافظ است.

به اعتقاد خرمشاهی، حافظ در خلق رند، انگیزه‌های متفاوتی داشته است. از یک طرف به انسان کامل که در مسائل عرفانی مطرح است توجه داشته و از طرف دیگر، انسان آزاده و سرکشی را که در برابر ارزش‌های دروغین طغیان می‌کند مدنظر قرار داده است. انگیزه دیگر حافظ در به کار بردن «زند»، آفریدن شخصیتی است که نقطه مقابل زاهد است. او می‌خواهد آزاده و بی‌قید و ملامتی باشد و همه این‌ها را در شخصیت قلندروار رند خلق می‌کند. پس اگر مفهوم آن در لابه‌لای اشعار حافظ درست فهمیده نشود، مهم‌ترین پیام و کوشش هنری فکری او نامفهوم باقی می‌ماند. این واژه در حدود هشتاد بار در دیوان حافظ به کار رفته است. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۷)

۱۵. بیت زیر، آخرین بیت این غزل است:
حافظ به خود نپوشید این خرقة می‌آلود
ای شیخ پاک‌دامن، معذور دار ما را

این بیت طنزآمیز، اشاره به دید نافذ و انتقادی حافظ دارد و نیز اشاره‌ای مستقیم به جبرگرایی او می‌کند. در بخش توضیحات اصطلاح «به خود نپوشید» معنی شده است اما توضیح کافی نیست. اول اینکه چرا پوشیدن خرقة به اختیار خودش نبوده است و نکته دوم اینکه منظور از «خرقة می‌آلود» در این بیت چیست؟ ضمناً شیخ پاک‌دامن منظور چه کسی یا کسانی است و چرا حافظ از روی طعنه، شیخ را پاک‌دامن می‌خواند؟ محمد/استعلامی معتقد است خرقة می‌آلود نشانه آن است که حافظ مدعی نبوده انسان پرهیزگاری است و او خطاب به شیخ می‌گوید نمی‌خواهم مانند تو خرقة زهد و پرهیزگاری به تن کنم. (استعلامی، ۱۳۸۶: ۱۸۲)

اگر بخواهیم این بیت را درست معنا کنیم به طوری که دانش‌آموزان علاوه بر درک زیبایی‌های ادبی آن متوجه زمان و شرایطی بشوند که حافظ این غزل را سروده است، نیاز به زمان بیشتری برای تدریس آن داریم. ما باید بتوانیم به ابهاماتی که در ذهن دانش‌آموزان ایجاد می‌شود، پاسخ دهیم. اگر واقعاً برخی مطالب این غزل مناسب کلاس درس نیستند، چه ضرورتی دارد که دبیر تلاش کند ابیات را به گونه‌ای مطرح کند که این غزل و سراینده آن زیر سؤال نرود. به‌عنوان مثال، در بسیاری از شرح‌ها، کیمیای هستی را به معنای شراب دانسته‌اند اما ما اصرار داریم معنای عرفانی آن، یعنی عشق الهی، را مطرح کنیم.

در پایان باید گفت درون‌مایه‌های بسیار ارزشمندی در این غزل مطرح شده است، اما به دلیل اینکه بعضی از ابیات نیاز به شرح بیشتری دارند و نیز در معنای برخی از آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد، پیشنهاد می‌شود یا غزل دیگری که نمایانگر اندیشه‌های ارزشمند حافظ و سبک والای او باشد برای این قسمت درس

انتخاب گردد یا زمان بیشتری برای تدریس آن در نظر گرفته شود و ابهامات برخی از ابیات در قسمت توضیحات درس رفع شود.

۲. سهم حافظ و اندیشه‌هایش در کتاب‌های درسی ادبیات دوره متوسطه

با توجه به جایگاه رفیع غزل در ادبیات غنایی و نقش بسیار مؤثر و انکارناپذیر حافظ در تلطیف و تعمیق اندیشه‌های غنایی، سهم این شاعر بزرگ در کتاب‌های درسی دوره متوسطه تا چه اندازه است و دبیران ما چه اندازه از زمان تدریس خود را به شناخت حافظ و ویژگی‌های ارزشمند شعرش اختصاص می‌دهند؟

در کتاب ادبیات سال اول فقط یک غزل از حافظ با عنوان «گفتم غم تو دارم» در بخش «حفظ کنیم» آمده است. همان گونه که می‌دانیم، فرصتی برای توضیح شعر حفظی وجود ندارد و حدود ۱۰ تا ۱۲ دقیقه، برای روخوانی این شعر در نظر گرفته می‌شود و بدین ترتیب، برای معنی کردن ابیات و رفع ابهامات و بیان آرایه‌های آن زمانی باقی نمی‌ماند.

در کتاب ادبیات سال دوم به‌عنوان قسمتی از یک درس، غزل «دل می‌رود ز دستم» از حافظ درج گردیده است. همان طور که در بخش اول به نقد و تحلیل این غزل پرداخته‌ایم، این نکته را متذکر می‌شویم که مدت زمان در نظر گرفته شده برای تدریس این غزل حدود ۳۵ دقیقه است و شرح و توضیح تمام نکات و ویژگی‌های این شعر در این مدت کم امکان‌پذیر نیست؛ چه رسد به اینکه به شرح زندگی حافظ، دیدگاه انتقادی و نگاه عمیق او به زندگی پرداخته شود. این غزل از کلیدی‌ترین غزل‌های حافظ است و نکات و مطالبی در آن مطرح شده‌اند که هر کدام به توضیح مفصل نیاز دارند و تمامی موارد در بخش اول این مقاله توضیح داده شده است.

در کتاب ادبیات سال سوم شاخه نظری صرفاً یک غزل از حافظ با عنوان «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند» در بخش «حفظ کنیم» آمده است و باز هم مدت زمانی که برای روخوانی آن در نظر گرفته شده، اندک است.

ادامه مطلب در وبگاه نشریه.....

منابع

۱. احمدی، احمد و دیگران؛ ادبیات فارسی (۳) شاخه نظری به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۱، تهران، ۱۳۸۸.
۲. ارشاد سرابی، اصغر و دیگران؛ ادبیات فارسی (۳)، رشته ادبیات و علوم انسانی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۱، تهران، ۱۳۸۸.
۳. استعلامی، محمد؛ درس حافظ: نقد و شرح غزل‌های خواجه شمس‌الدین حافظ، ج ۲، سخن، چ ۳، تهران، ۱۳۸۶.
۴. تاکی، مسعود و دیگران؛ ادبیات فارسی (۱)، رشته نظری، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۲، تهران، ۱۳۸۸.
۵. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد؛ دیوان خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی، مقابله نسخه مصحح محمد قزوینی و قاسم غنی، به اهتمام محمدعلی مجاهدی، هجرت، چ ۱، قم، ۱۳۷۸.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ حافظ‌نامه: شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ، سروش، چ ۱۲، تهران، ۱۳۸۰.
۷. داودی، حسین و دیگران؛ ادبیات فارسی (۲)، رشته نظری، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۲، تهران، ۱۳۸۸.
۸. شمس‌ا، سیروس؛ فرهنگ عروضی، فردوس، چ ۳، تهران، ۱۳۷۵.

